

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۳

فراوانی و تنوع اوزان عروضی در غزل‌های حسین منزوی از ویژگی‌های ادبی سبک او

(ص ۱۸۵-۱۷۳)

موسی پرنیان^۱، رقیه کاظم زاده (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۴

چکیده

از آغاز دههٔ چهل شاعران نوپرداز، تحولات بنیادینی در عناصر غزل ایجاد نمودند و تا حد امکان سعی کردند، از سنت‌های غزل کلاسیک پیروی نکنند. در این راه، گام‌های بسیار مؤثری را نیز برداشتند، که موجب شکل‌گیری «غزل نو» شد. حسین منزوی یکی از غزلسرایان معاصر است که سعی نموده است از چهارچوب غزل سنتی عبور نماید؛ از این رو در کنار همهٔ تحولاتی که در غزل ایجاد کرده است در پی ایجاد وزن تازه در قالب غزل نیز برآمده و در شصت وزن، توان آزمایی نموده است که از بین این شصت وزن، هفده وزن در فرهنگ عروضی دیده نمی‌شود.

نگارنده در این مقاله، در صدد یافتن پاسخ سؤالات زیر است:

۱. حسین منزوی برای اینکه بتواند از چهارچوب غزل سنتی در حوزهٔ وزن عبور کند چگونه عمل نموده است؟

۲. آیا حسین منزوی به عنوان یکی از پیشگامان غزل نو، مبدع وزن تازه نیز هست؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، مبدع چند وزن ابداعی است؟

کلمات کلیدی: منزوی، وزن شعر، ابداع وزن، شعر معاصر

dr.mparnian@yahoo.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

Rogayyeh.kazemzadeh@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

مقدمه

شاعران معاصر پس از غوطه‌وری در شعر نو و طبع آزمایشی در آن وادی احساس نمودند، که توده مخاطبان، شعر بدون وزن را، شعر ندانسته و این نوع شعر را نوعی کلام منشور مینامند. به همین دلیل رو به سوی قالبهای قدیمی نهادند. از این میان، غزل را که با داشتن موسیقی و تعداد ابیات مناسب و قدرت انعطاف‌پذیری، تمام حالات شاعرانه و موضوعات شعری را بر می‌تابد، انتخاب نمودند. اما روح تکاپوگر نوغزل‌پردازان، در مرحله سنت متوقف نشد و به دنبال تحول و خلاقیت به دنیای نوین گریز زدند. غزل‌پردازان نوگرا با آشنایی کامل به اوزان قدیم برای رشد و باروری هر چه بیشتر شعر فارسی، سعی کردند در سروده‌هایشان از اوزانی تازه و یا کم سابقه بهره بگیرند. «ابداع اوزان تازه، اگر چه از دوره قاجار، کم کم آغاز شد اما در زمان ما نیز کسانی چون سایه، حسین منزوی و سیمین بهبهانی و چند تن دیگر، اوزان تازه در غزل دارند.» (گونه‌های نوآوری در شعر معاصر، حسن لی، ص ۴۶۵) در واقع، غزل سرایان نوگرا به منظور انجام امر آشنایی‌زدایی از قالب غزل، واحد وزن را - یعنی بنیادی‌ترین عنصر سازنده قالب های شعری را - برگزیده و «با افزودن وزنهای بی‌سابقه بر اوزان غزل، این قالب کهنه را هویتی نو بخشیده و آن را پذیرای پیامهای نو و معانی امروزی کرده‌اند.» (مقالات ادبی - زبان شناختی، ص ۱۶۵)

بحث و بررسی

حسین منزوی، دفترهای شعری خود را با نامهای «حنجره زخمی تغزل» در سال ۱۳۵۰، «با عشق در حوالی فاجعه» در سال ۱۳۷۱، «از شوکران و شکر» در سال ۱۳۷۳، «از کهربا و کافور» در سال ۱۳۷۷، «از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها» در سال ۱۳۸۱، «همچنان از عشق» را در سال ۱۳۸۴، منتشر کرده است. مجموع غزل‌های منزوی ۴۲۵ غزل میباشد که در سال ۱۳۸۸ با کوشش حسین فتحی در کتاب مجموعه اشعار حسین منزوی آمده است که محدوده و منبع پژوهش غزل‌های منزوی در این مقاله، همان کتاب است.

در ادامه، برای رسیدن به پاسخ سؤالات مطرح شده، ابتدا، وزن همه غزل‌های منزوی به دقت استخراج شده، سپس وزنهایی که در فرهنگ عروضی نیامده است، جدا و برای هر کدام نمونه‌هایی آورده شده است و سپس عملکرد حسین منزوی در ایجاد وزنهای تازه مورد بررسی قرار گرفته است.

وزن غزل‌های منزوی:

غزل‌هایی که با وزنهای آشنا سروده شده‌اند عبارتند از:

- ۱- غزل‌های شماره ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۸، ۳۷، ۶۲، ۶۵، ۷۲، ۸۱، ۸۷، ۹۳، ۹۴، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵.

۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۲۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۸۲، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۸۶، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۱ را در وزن «مفاعن فعلاتن مفاعن فعلمن»؛

۲- غزلهای شماره ۲۲، ۳۱، ۳۵، ۳۹، ۵۳، ۵۳، ۶۶، ۷۹، ۸۴، ۸۵، ۹۰، ۹۲، ۹۹، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۷۲، ۱۸۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۳۳، ۲۵۰، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۶، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۹، ۳۴۳، ۳۴۷، ۳۶۳، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۵ در وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلمن»؛

۳- غزلهای شماره ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۴۸، ۴۷، ۶۱، ۶۳، ۷۶، ۸۲، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۷، ۲۱۴، ۲۳۱، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۷۳، ۳۲۴، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۹۰، ۳۹۲، ۴۳۲ در وزن «فعلاتن فعلاتن فاعلمن فعلمن»؛

۴- غزلهای شماره ۴۳، ۷۸، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۷۶، ۱۸۰، ۲۱۵، ۲۷۶، ۲۸۶، ۲۹۵، ۳۷۵، ۴۲۲، ۴۳۵ در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلمن فعلمن»؛

۵- غزلهای شماره ۳۶، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۴، ۶۷، ۷۰، ۱۰۴، ۱۲۱، ۱۴۷، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۷۵، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۱، ۳۲۰، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۴، ۳۸۷، ۳۸۹، ۴۱۱ در وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن»؛

۶- غزلهای شماره ۱، ۱۶، ۱۷، ۲۴، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۸۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۹۸، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۸۸، ۳۹۶، ۴۳۳ در وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»؛

۷- غزلهای شماره ۵۰، ۵۹، ۶۸، ۷۱، ۷۵، ۸۶، ۹۶، ۱۱۷، ۱۷۵، ۱۹۶، ۲۰۸، ۲۱۸، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۷۱، ۳۳۰، ۳۴۹ در وزن «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن»؛

۸- غزلهای شماره ۲۰، ۳۲، ۳۳، ۴۴، ۸۳، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۴۶، ۲۲۸، ۲۹۷، ۴۰۵، ۴۰۷ در وزن «مفاعن فعلاتن مفاعن فعلاتن»؛

۹- غزلهای شماره ۱۰، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۷۰، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۶۱، ۳۱۸، ۳۳۹، ۳۵۰، ۳۷۰ در وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن»؛

۱۰- غزلهای شماره ۲، ۸۰، ۱۶۷، ۲۰۵، ۲۷۴، ۳۰۲، ۳۱۴، ۳۸۲، ۴۲۳ در وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع»؛

- ۱۱- غزلهای شماره ۹، ۳۴، ۴۶، ۷۳، ۱۰۱، ۱۵۲، ۲۰۷، ۲۴۳، ۲۶۳ در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»؛
- ۱۲- غزلهای شماره ۴۲، ۱۲۸، ۱۴۴، ۲۴۱، ۲۷۹، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۸۴، ۴۱۴ در وزن «فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن»؛
- ۱۳- غزلهای شماره ۶، ۷۴، ۱۰۹، ۱۴۲، ۲۰۹، ۲۲۱، ۳۳۱، ۳۳۴ در وزن «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن»؛
- ۱۴- غزلهای شماره ۱۹۳، ۲۸۱، ۲۵۸، ۳۱۳، ۳۱۱، ۳۳۷، ۳۵۳، ۳۷۲ در وزن «فاعلاتن مفاعیلن فعلن»؛
- ۱۵- غزلهای شماره ۹۱، ۱۲۵، ۱۵۱، ۱۸۲، ۴۳۰ در وزن «مفعول مفاعیلن مفاعیلن»؛
- ۱۶- غزلهای شماره ۶۰، ۸۹، ۱۵۸، ۱۹۵، ۴۳۶ در وزن «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن»؛
- ۱۷- غزلهای شماره ۵۴، ۲۰۱، ۲۳۹، ۲۶۷، ۴۱۷ در وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»؛
- ۱۸- غزلهای شماره ۷۷، ۱۲۷، ۱۶۳، ۴۱۸ در وزن «مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن»؛
- ۱۹- غزلهای شماره ۲۳، ۳۰، ۳۰۱، ۴۳۴ در وزن «فعلون فعلون فعلون فعلون»؛
- ۲۰- غزلهای شماره ۱۴، ۱۸، ۴۱، ۲۴۰ در وزن «مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول»؛
- ۲۱- غزلهای شماره ۸۸، ۱۶۱، ۱۷۹، ۳۴۲ در وزن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن»؛
- ۲۲- غزلهای شماره ۱۸۶، ۳۶۶، ۳۹۴ در وزن «مفعول فاعلات فعلون مفعول فاعلات فعلون»؛
- ۲۳- غزلهای شماره ۹۵، ۲۷۷، ۲۹۶ در وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن»؛
- ۲۴- غزلهای شماره ۹۵، ۲۷۷، ۲۹۶ در وزن «مفعول مفاعیلن فعلون»؛
- ۲۵- غزلهای شماره ۳۲۳، ۳۳۸، ۳۶۹ در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع»؛
- ۲۶- غزلهای شماره ۵۸، ۲۸۰، ۳۹۳ در وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن»؛
- ۲۷- غزلهای شماره ۱۲۳، ۱۷۳، ۳۶۲ در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع»؛
- ۲۸- غزلهای شماره ۱۵۶، ۱۵۷ در وزن «فاعیلن فعل فاعیلن فعل»؛
- ۲۹- غزلهای شماره ۱۷۴، ۱۸۴ در وزن «فاعلاتن فعلاتن فعلن»؛
- ۳۰- غزلهای شماره ۲۶۴، ۴۰۱ در وزن «فاعلات فاعلات فاعلات فاعیلن»؛
- ۳۱- غزلهای شماره ۳۲۷، ۳۳۳ در وزن «مفاعیل فاعیلن مفاعیل فاعیلن»؛
- ۳۲- غزلهای شماره ۳۸، ۵۱ در وزن «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن»؛
- ۳۳- غزلهای شماره ۲۶۵، ۳۴۵ در وزن «مفعول فاعلات مفاعیلن مفعول فاعلات مفاعیلن»؛
- ۳۴- غزلهای شماره ۲۲۷، ۴۹ در وزن «مفاعیلن فعلاتن فع مفاعیلن فعلاتن فع»؛
- ۳۵- غزلهای شماره ۳، ۳۲۵ در وزن «مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول فع»؛
- ۳۶- غزلهای شماره ۳۴۴، ۴۱۶ در وزن «فاعیلن فاعیلن فاعیلن فع»؛
- ۳۷- غزلهای شماره ۲۳۲، ۳۵۲ در وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع»؛

- ۳۸- غزل شماره ۱۵ در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»؛
 ۳۹- غزل شماره ۴۰ در وزن «فاعلات فاعلات فاعلات فع»؛
 ۴۰- غزل شماره ۴۵ در وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع لن»؛
 ۴۱- غزل شماره ۶۹ در وزن «مفعول فاعلات مفاعیلن»؛
 ۴۲- غزل شماره ۱۱۳ در وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن»؛
 ۴۳- غزل شماره ۱۹۰ در وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن»؛
 ۴۴- غزل شماره ۲۰۰ در وزن «مستفعلن مفاعیلن مستفعلن مفاعیلن»؛
 ۴۵- غزل شماره ۲۳۶ در وزن «مستفعلن مستفعلن فع لن»؛
 ۴۶- غزل شماره ۲۲۳ در وزن «فاعلات مفتعلن فاعلات مفتعلن»؛
 ۴۷- غزل شماره ۲۳۷ در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع»؛
 ۴۸- غزل شماره ۲۸۳ در وزن «مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول فع»؛
 ۴۹- غزل شماره ۲۹۴ در وزن «فاعلات فاعلات فاعلن»؛
 ۵۰- غزل شماره ۳۱۲ در وزن «فاعلات فاعلات فع فاعلات فاعلات فع»؛
 ۵۱- غزل شماره ۳۳۲ در وزن «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن»؛
 ۵۲- غزل شماره ۳۵۴ در وزن «مستفعلن مستفعلن فع لن مستفعلن مستفعلن فع لن»؛
 ۵۳- غزل شماره ۳۵۷ در وزن «مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن»؛
 ۵۴- غزل شماره ۳۵۹ در وزن «مفعول فاعلات فعولن»؛
 ۵۵- غزل شماره ۳۷۱ در وزن «مفاعلن فعولن مفاعلن فعولن»؛
 ۵۶- غزل شماره ۳۷۶ در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»؛
 ۵۷- غزل شماره ۳۷۸ در وزن «فاعلن فاعلن فاعلن فع فاعلن فاعلن فاعلن فع»؛
 ۵۸- غزل شماره ۴۰۲ در وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن»؛
 ۵۹- غزل شماره ۴۱۹ در وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن»؛
 ۶۰- غزل شماره ۳۹۷ در وزن «فاعلات فاعلات فاعلات فاعلات فع»؛

وزنهای بی سابقه

از بین وزن غزل‌های منزوی، وزنهایی وجود دارد که در فرهنگ عروضی نیامده است، وزنهای بی سابقه در غزل منزوی عبارتند از وزنهای زیر که در ادامه برای هر کدام نمونه‌هایی آورده میشود:

نمونه‌ها:

۱- «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع»:

دست و رو تر کردندم در آب جو، گیرم ز ناچاری است

من بخوادم یا نخواهم جویبار زندگی جاری است (مجموعه اشعار، منزوی، ص ۴۱۸)

و
روزها و هفته‌هایم بی تو با تقویم چرخیدند
با اگرهای فراوان در امید و بیم چرخیدند
(ص ۴۳۸)

و
من پر از دیوم کدامین شیشه را بر سنگ می‌کوبی؟
ای زنی که چون پریهای قشنگ قصه‌ها خوبی
(ص ۴۷۵)

۲- مفعول فاعلات فاعولن مفعول فاعلات فاعولن:

باغ خزانی توام، ای یارا! که بی تو برگ و بار ندارد
وقتی تو نیستی، گل سرخم! تقویم من، بهار ندارد
(ص ۲۶۱)

و
یادی است در همیشه ذهنم، آن گیسوان خیس معطر
بر سینه زلال تو افشان، همچون خزه بر آب، شناور
(ص ۴۷۲)

و
تمثیل غربت تو و من چیست؟ تنهایی من و تو چه رنگ است
تنهایی درخت و پرنده، تنهایی ستاره و سنگ است
(ص ۵۰۴)

۳- مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن:

رنج گرانم را به صحرا میدهم، صحرا نمی‌گیرد
اشک روانم را به دریا میدهم دریا نمی‌گیرد
(ص ۸۶)

و
محبوب من! بعد از تو گویم، بی قرارم، خالیم، منگم
بر داربستی از «چه خواهد شد» «چه خواهم کرد» آونگم
(ص ۳۶۸)

و
تقدیرم اینگونه است: کار گل به جای کار دل، آری
اینک منم تکرار سعدی در طرابلسهای بیگاری
(ص ۵۰۳)

۴- مفاعیلن فاعلاتن فع مفاعیلن فاعلاتن فع:

زنی که صاعقه وار آنک ردای شعله به تن دارد
فرو نیامده خود پیداست که قصد خرمن من دارد
(ص ۷۶)

و
خیال خام پلنگ من به سوی ماه جهیدن بود
و ماه را زبلندایش به روی خاک کشیدن بود
(ص ۳۱۳)

۵- مفعول فاعلات مفاعیلن مفعول فاعلات مفاعیلن:

از چشمهای عشق چه میخواهید؟ ای ابرهای بغضی بارانی!
بر گونه‌های دوست چه میبارید؟ ای اشکهای طغی توفانی!
(ص ۳۵۲)

و

در چشمهای شعله ورت آن روز، چیزی فرو نشسته و سرکش بود
چیزی هم از قبیله خاکستر، چیزی هم از سلاله آتش بود
(ص ۴۴۹)

۶- فاعلات فاعلات فاعلن:

تا همیشه از برایم ای صدای من بمان
ای صدای مهربان! بمان برای من بمان
(ص ۳۵۱)

و

با چه نامی؟ از کدامی؟ از کجایی؟ ای هراس!
ای هراس نانجیب ناکجای ناشناس
(ص ۵۱۲)

۷- مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول فع:

ای گیسوان رهای تو از آبشاران رهاتر
چشمانت از چشمه ساران صاف سحر با صفاتر
(ص ۲۳)

و

ای عشق ما با تو از وادی جادوان هم گذشتیم
از شیر غران و از اژدهای دمان هم گذشتیم
(ص ۴۲۲)

۸- مستفعلن مفاعیلن مستفعلن مفاعیلن:

در خود خروش ها دارم چون چاه اگر چه خاموشم
می جوشم از درون هر چند با هیچ کس نمی جوشم
(ص ۲۸۰)

۹- فعولن فعولن فعولن فعولن:

الا بی وفا یار کز یاریم میگریزی
به خوابم می آیی و ز بیداریم میگریزی
(ص ۵۳۰)

۱۰- مفعول مفعول مفعول مفعول فع:

تقدیر، تقویم خود را تماما به خون میکشید
وقتی که رستم تهیگاه سهراب را میدرید
(ص ۳۷۱)

۱۱- فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن:

فرود آمدم از بهشتت در این باغ ویران خدایا
فرود آمدم تا نباشم جدا زین اسیران خدایا
(ص ۵۱۳)

۱۲- فاعلات فاعلات فاعلات فع:

سر کشیدم از میان خون، دوان دوان که آمدی
پر گشودم از درون گشوده بازوان که آمدی
(ص ۵۰۷)

۱۳- فاعلات فاعلات فع فاعلات فاعلات فع:

نقش‌های کهنه ام چقدر تلخ و خسته و خزانیند نقش غربت جوانه‌ها، رنگ حسرت جوانیند
(ص ۴۰۴)

۱۴- فاعلن فاعلن فاعلن فع فاعلن فاعلن فع:

شهر منهای وقتی هستی، حاصلش برزخ خشک و خالی جمع آینه‌ها ضرب در تو، بی عدد صفر بعد از زلالی
(ص ۴۸۵)

۱۵- مستفعلن مستفعلن فع لن مستفعلن مستفعلن فع لن:

دیگر برای دم زدن از عشق باید زبانی دیگر اندیشید باید کلام دیگری پرداخت باید بیانی دیگر اندیشید
(ص ۴۵۹)

۱۶- مستفعلن مستفعلاتن مستفعلن مستفعلاتن :

می آیم و دلتنگ دلتنگ، ای شنگ نازک تن برایت می آیم و سوغاتی من، از بوسه پیراهن برایت
(ص ۲۶۷)

۱۷- مفتعلن فاعلات مفتعلن فع لن :

بی تو شبم با ستاره، شام غریبان است با تو شبم بی ستاره نیز چراغان است
(ص ۷۲)

عملکرد منزوی در ساخت وزنه‌های تازه:

منزوی برای افزودن وزنه‌های تازه (وزنه‌های بالا) به زنجیره وزن غزلهایش، به شیوه‌های گوناگون عمل نموده است، در این قسمت از مقاله به بررسی وزنه‌های بی سابقه غزل منزوی میپردازیم.

۱- وزنه‌هایی که با افزودن هجا ساخته شده اند:**افزودن یک هجا**

منزوی وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع لن» را با افزودن یک هجا به آخر وزن با سابقه «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» ایجاد کرده است و غزل ۴۵ خود را در این وزن سروده است:

مثل گلی نو شکفته در وسط پاییز آمدنت آخرین تلاش بهاران است
(ص ۷۲)

همچنین، وزن «مفاعلهن فعلاتن فع مفاعلهن فعلاتن فع» هم با افزودن یک هجا ساخته شده است: زنی که صاعقه وار آنک ردای شعله به تن دارد فرو نیامده خود پیداست که قصد خرمن من دارد
(ص ۷۶)

و

خیال خام پلنگ من به سوی ماه جهیدن بود و ماه را زبلندایش به روی خاک کشیدن بود
(ص ۳۱۳)

افزودن سه هجا

منزوی با افزودن سه هجا بر وزن «مفعول مفعول مفعول مفعول»، وزن دیگری را به وزنه‌های خود افزوده است و غزلهای ۱۴، ۱۸، ۴۱، ۲۴۰ را در وزن «مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول» سروده است:

فراوانی و تنوع اوزان عروضی در غزل‌های حسین منزوی از ویژگی‌های ادبی سبک او / ۱۸۱

تو جذبه استحالت، تو شور رسیدن / که روده‌ها را به دریا شدن میکشانی
(ص ۴۱)

و

من بی تو، امشب دلم شادمان نیست این جا / بی من تو هر جا که هستی دلت شاد، امشب
(ص ۳۷)

و

این جا سراغ تو را از که باید بگیرم؟ / این جا که بیگانگی عادت آشناهاست
(ص ۳۲۷)

و

ما را چه پروای توفان و بیش و کم آن / مرغایانیم و بر بال توفان روانیم
(ص ۶۸)

به وزن «فاعلات فاعلات فاعلن» سه هجا اضافه شده و وزن «فاعلات فاعلات فاعلن» ساخته شده است. برای نمونه:

ای تو را پناه داده من به جان جان خود / وی تو حرمت مرا نداشته به هیچ پاس
(ص ۵۱۲)

و:

در زمانه ای که؟ آشنایی اش پر از غریبی است / ای غریبه به غربت آشنای من، بمان
(ص ۳۵۱)

و به وزن با سابقه «فاعلات فاعلات فاعلات فع» سه هجای دیگر افزوده شده و ابیات زیر در وزن «فاعلات فاعلات فاعلات فاعلات فع» سروده شده است:

من سر گریزم از مدار بی نهایت تو نیست / با تقابل دو آینه - تن و روان - که آمدی
(ص ۵۰۷)

و

گفتم این هزار قایق نجات من چه آشناست؟ / با هزار رود ناگهان، روان روان که آمدی؟
(همان)

منزوی سه هجا به وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن»، وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن» را ساخته است. برای نمونه:

تویی که به یک درد من طاقتت تاق می شد / کنون تا به صد درد بسپاری ام می گریزی
(ص ۵۳۰)

افزودن چهار هجا

قابل ذکر است که وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع» نیز از وزنهایی است که سابقه دارد اما منزوی با افزودن چهار هجا به این وزن، آن را بلندتر ساخته است، برای نمونه بیت های زیر از غزل‌های منزوی انتخاب شده که در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع» سروده شده است:

میستیزم در بهار کوچک یک غنچه با پاییز خود گرفتم کاین نبرد نابرابر عین دشواری است
(ص ۴۱۸)

و

تا مرا از دیوهایم وارهایی ای پری، اول شیشه‌ی عمر کدامین دیو را بر سنگ میکوبی؟
(ص ۴۷۵)

و

ساعتی بودم مشوش گاه پیش و گاه پس رفتم دست‌هایم عقربک‌هایی که بی تنظیم چرخیدند
(ص ۴۳۸)

وزن «مستفعلن مستفعلن فع لن» نیز همانند وزن بالا مسبوق به سابق است و منزوی تنها یک
«مستفعلن» دیگر به این وزن اضافه نموده است. برای نمونه:

آسان گرفتم کار نیش و نوش را از روی طبع اما هرگز نگرفت بر من کارها را جز به دشواری
(ص ۵۰۳)

و

سازی غریبم من که در هر پرده ام، هر زخمه بنوازد لحن همایون تو می آید برون از ضرب و آهنگم
(ص ۳۶۸)

و

تا در کجا بتکانم از دامان دل، این سنگ سنگین را دلتنگی ام ای دوست! بی تو در جهانی جا نمی‌گیرد
(ص ۸۶)

افزودن پنج هجا

منزوی با کاستن یک هجا از وزن «مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول»، غزل ۲۸۳ را در وزن
«مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول فع» سروده است:

بی شک نمی‌کاست چیزی از ابعاد آن فاجعه حتی اگر نوش دارو به هنگام خود میرسید
(ص ۳۷۱)

افزودن شش هجا

شش هجا به وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن»، افزوده شده و وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن
فعولن فعولن» به وزنهای تازه‌ی غزلیات منزوی اضافه شده است:

جهانت قفس بود و این را پذیرفته بودیم اما نه هم بندی روبه‌پان بود سزاوار شیران خدایا
(ص ۵۱۳)

منزوی با افزودن شش هجا بر وزن «مفعول مفعول مفعول مفعول»، وزن دیگری را به وزنهای خود
افزوده است و غزل ۳ و ۳۲۵ را در وزن «مفعول مفعول مفعول مفعول مفعول» سروده است:

نام تو را باطل السحر هر خدعه کردیم و آنگاه تنها که از هفت خان، بلکه هفتاد خان هم گذشتیم
(ص ۴۲۲)

و

با تو برای چه از غربت دستهایم بگویم؟ ای دوست! از غم غربت به من آشناتر
(ص ۲۳)

۲. وزنهایی که از تکرار وزنهای کهن ساخته می شوند:

منزوی بعضی از وزن‌ها را از تکرار وزنهایی که در گذشته کاربرد داشته است میسازد.
نمونه‌ها:

تکرار وزن «فاعِلن فاعِلن فاعِلن فع»:

چند برگی است دیوان ماهت، دفتر شعرهای سیاهت ای که هر ناگهان از نگاهت، یک غزل میشود ارتجالی
(ص ۴۸۵)

تکرار وزن «مستفعلن مستفعلن فع لن»:

تا کی همان عذرا و وامقها؟ آن خسته‌ها، آن کهنه عاشقها باید برای این بیابان نیز، دیوانگانی دیگر اندیشید
(ص ۴۵۹)

تکرار وزن «مستفعلن مستفعلاتن»:

پیراهنی از بوسه یا شعر؟ یا پاک بودن، از سر مهر؟ زین‌ها کدامین را به تحفه، می باید آوردن برایت؟
(ص ۲۶۷)

تکرار وزن با سابقه «مفعول فاعلات فعولن»:

اینسان که شب، سیاهی خود را چون پيله‌ای تنیده به گردم یک شاخه نور نیز ز خورشید، راهی در این حصار ندارد
(ص ۲۶۱)

تکرار وزن با سابقه «مفعول فاعلات مفاعیلن»:

در نی نی دو چشم درخشان، هم خنده برق میزد و هم خنجر در آتش نگاه پریشان، ما بین مهر و کینه کشاکش بود
(ص ۴۴۹)

و

من خسته‌ام ز خواندن تان دیگر، ای فصلهای باطل بی تعطیل

کی میرسد به صفحه پایانش، ای داستان تلخ پریشانی؟ (ص ۳۵۲)

بنابراین با بررسی وزنهای بالا به این نتیجه رسیدیم که نمیتوان منزوی را مبدع هیچ کدام از این وزن‌ها دانست. اما از بین وزنهای بالا، دو وزن باقی مانده است که در ادامه باید به پاسخ این سوال برسیم که آیا میتوان منزوی را خالق این دو وزن دانست؟ وزنهای مذکور، «مستفعلن مفاعیلن مستفعلن مفاعیلن» و «فاعلات فاعلات فع فاعلات فاعلات فع» هستند که هر چند در فرهنگ عروضی نیامده‌اند اما با افزوده شدن هجا هم ایجاد نشده‌اند و وزنی نو میباشند.

منزوی ابیات زیر را در وزنهای مذکور سروده است.

«مستفعلن مفاعیلن مستفعلن مفاعیلن»:

گیرم به طعنه ام خوانند «ساز شکسته» میدانند، هر چند خامشم اما آتش فشان خاموشم
(ص ۲۸۰)

«فاعلات فاعلات فع فاعلات فاعلات فع»:

روغن جلا نخورده‌اند، رنگهای من که در مثل: رنگ آب راکند، اگر آییند و آسمانیند
(ص ۴۰۴)

وزن «فاعلات فاعلات فع فاعلات فاعلات فع» ذکر شده در دفتر شعری «از کهربا و کافور»، منتشر شده در سال ۱۳۷۷ منزوی را نیز سیمین بهبهانی، در سال ۱۳۶۰ در دفتر شعری «دشت ارژن» خود آورده است:

تن کشیده زیر بال شب، بی کرانه ملال ما بادبان کهنه زورقی است، این کبود خال خال ما
(دشت ارژن، بهبهانی، ص ۹۳)

منزوی وزن «مستفعلن مفاعیلن مستفعلن مفاعیلن» را در سال ۱۳۷۱ در صفحه صد و سی و پنج دفتر شعری «با عشق درحوالی فاجعه» به کار برده است که سیمین بهبهانی از همین وزن، سال ها قبل از منزوی در دفتر شعری «دشت ارژن» بهره جسته است:

کولی میان انگشتر زهری نهفته ای دیری تا وارهی به تاثیرش روزی که نیست تدبیری
(همان، ص ۳۵)

نتیجه

حسین منزوی، ۴۲۵ غزل دارد که در این غزلها از ۶۰ وزن بهره جسته است. از این ۶۰ وزن، ۱۷ وزن در فرهنگ عروضی ذکر نشده است؛ نشان داده شد که این وزنها هم ابداعی نیستند بلکه با افزودن هجاهایی به وزنها کهن یا با تکرار آن وزنها ساخته شده اند. دو وزن نو در میان وزن غزلهای منزوی دیده شد که این دو وزن را هم شاعر دیگری یعنی سیمین بهبهانی قبل از حسین منزوی به کار برده است. اما در مجموع تنوع در استفاده از این همه وزن، نشان از تسلط کم‌نظیر شاعر به کلام است.

منابع:

- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۴، تهران: فردوس.
- آفاق غزل فارسی، صبور، داریوش (۱۳۷۰)؛ تهران: گفتار.
- از ترمه و تغزل، منزوی، حسین، ۱۳۷۶، تهران: روزبهان.
- از خاموشی ها و فراموشی ها، منزوی، حسین، ۱۳۸۱، زنجان: مهدیس.
- از شوکران و شکر، منزوی، حسین، ۱۳۷۳، تهران: آفرینش.
- از کهربا و کافور، منزوی، حسین، ۱۳۷۷، تهران: کتاب زمان.
- از ترانه و تندر، فیروزیان، مهدی، ۱۳۹۰، تهران: انتشارات سخن.
- المعجم فی معاییر اشعارالعجم، رازی، شمس قیس، به تصحیح قزوینی، محمد و مدرس رضوی، ۱۳۶۰، تهران: زوار.
- با عشق در حوالی فاجعه، منزوی، حسین، ۱۳۷۱، تهران: پانگ.
- حنجره زخمی تغزل، منزوی، حسین، ۱۳۸۷، تهران: آفرینش.
- حیدربابا، منزوی، حسین (۱۳۶۹)؛ به کوشش محمد فتحی، تهران: آفرینش.
- خطی ز سرعت و آتش، بهبهانی، سیمین، ۱۳۷۰، تهران: زوار.
- دشت ارژن، بهبهانی، سیمین، ۱۳۷۰، تهران: زوار.

- زندگی و شعر سیمین بهبهانی، ابومحبوب، احمد، ۱۳۸۲، تهران: ثالث.
- سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس، ۱۳۶۹، تهران: فردوس.
- شعر نو از آغاز تا امروز، حقوقی، محمد، ۱۳۷۷، ج ۱، تهران: ثالث.
- فرهنگ عروضی، شمیسا، سیروس، چاپ اول، ۱۳۶۶، تهران: انتشارات فردوس.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، ۱۳۶۱، تهران: توس.
- گزینه اشعار، بهبهانی، سیمین، ۱۳۷۶، تهران: مروارید.
- گونه های نوآوری در شعر معاصر، حسن لی، کاووس، ۱۳۸۳، تهران: ثالث.
- مجموعه اشعار، بهبهانی، سیمین، ۱۳۸۴، تهران: نگاه.
- مصاحبه ای با حسین منزوی، منزوی، حسین، ۱۳۸۳، نشریه ابرار، چهارم خرداد.
- مقالات ادبی - زبان شناختی، حق شناس، علی محمد، ۱۳۷۰، چ اول.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۸، تهران: آگاه.
- هم چنان از عشق، منزوی، حسین، ۱۳۸۴، تهران: آفرینش.
- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، ۱۳۶۹، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.